

۷۵۹۰



۱۱۶۷۴



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

رساله دوره دکتری جامعه شناسی

تبیین جامعه شناختی هویت سازی در دوره پهلوی اول

فرهاد نصرتی نژاد

استاد راهنما

دکتر تقی آزاد ارمکی

استادان مشاور

دکتر علی ساعی، دکتر علی محمد حاضری

آبان ۱۳۸۷

۱ / ۴ / ۱۳۸۸

کتابخانه و اسناد مرکز علمی پژوهشی
تربیت مدرس

۱۱۴۶۳۰



بسمه تعالی

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت های علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:
و کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته **جغرافیای طبیعی** است که در سال **۱۳۸۷** در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم / جناب آقای دکتر **علی آزادارمی**، مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر **علی بامی** و مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر **علی محمدصغری** از آن دفاع شده است.

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵ دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب **فرهاد نصری سلار** دانشجوی رشته **جغرافیای طبیعی** مقطع **دکتری** تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضا:

دستورالعمل حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاستهای پژوهشی دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عنوان پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد ذیل را رعایت نمایند:

ماده ۱- حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها/ رساله‌های مصوب دانشگاه متعلق به دانشگاه است و هرگونه بهره‌برداری از آن باید با ذکر نام دانشگاه و رعایت آیین‌نامه‌ها و دستورالعملهای مصوب دانشگاه باشد.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی می‌باید به نام دانشگاه بوده و استناد راهنما نویسنده مسئول مقاله باشند. تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با مجوز کتبی صادره از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه و براساس آیین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این دستورالعمل در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ در شورای پژوهشی دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است و هرگونه تخلف از مفاد این دستورالعمل از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری خواهد بود. ۴۱۲۱۸۴/۶

تقدیم به

همسرم به پاس همه مهربانی‌ها، فداکاری‌ها و مشقاتی که در حین انجام این پژوهش متحمل شد،

پدر و مادرم که همواره مشوق و پشتیبانم بودند

و

استادانی که دانش جامعه‌شناسی را به من آموختند.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله مراتب سپاس و امتنان خود را از استادان راهنما و مشاور، آقایان دکتر تقی آزاد ارمکی، دکتر علی ساعی و دکتر علی محمد حاضری که با سعه صدر هدایت این پژوهش را برعهده داشتند و نگارنده را مدیون دانش و مشش خود کردند، دکتر احمد رجب زاده، دکتر منوچهر محسنی، دکتر سعید معیدفر و زنده یاد دکتر علی محمد کاردان که در تصویب این رساله نقش داشتند، دکتر علی رضا شجاعی زند، دکتر عباس کشاورز، دکتر محمدسالار کسرای و دکتر حمید عبداللہیان که زحمت خوانش و نقادی این پژوهش بر عهده آن‌ها بود و همچنین همه استادان بزرگواری که در طول دوره تحصیل از محضرشان بهره برده و با علم جامعه شناسی آشنا شدم، اعلام می‌دارم. برای همه آن بزرگوران آرزوی سلامت و بهروزی و برای روح بلند زنده یاد دکتر کاردان علو درجات و رحمت واسعه الهی خواستارم. روحش قرین رحمت باد که به توسعه دانش اجتماعی این مرز و بوم کمک بسیار کرد.

چکیده

این پژوهش در صدد است تا به این مسئله بپردازد که چرا دولت پهلوی اول اقدام به هویت‌سازی کرد و در عین حال، علی‌رغم این که به لحاظ تاریخی عناصری هویتی فعالی در جامعه ایرانی وجود داشت، از همه عناصر هویتی موجود استفاده نکرد، بلکه از برخی عناصر هویتی خاص استفاده کرد که کلیت جامعه ایرانی را در بر نمی‌گرفت. برای پاسخ به مساله مطرح شده، تلاشی تئوریک انجام شد تا تبیینی تئوریک از مساله ارایه شود. برای این منظور با مطالعه و ارزیابی ادبیات نظری، پارادایم نمادگرایی قومی که از یک طرف بر نقش دولت مدرن بر شکل دادن به هویت ملی تاکید دارد و از سوی دیگر عناصر هویتی مورد استفاده دولت را در گذشته تاریخی جوامع جستجو می‌کند، انتخاب شد. در گام بعد با تاسی از نظریه‌های مربوط به دولت مدرن ویژگیهای این دولت شرح داده شد و استدلال شد که بنا به الزام کارکردی، این دولت‌ها، دولتهایی هویت‌ساز هستند. پس از آن با طرح این پرسش که کنشهای دولت بر چه مبنایی انجام می‌شود، با نقد نظریه‌هایی مربوطه و با تاسی از نظریه اسکاچپول، دولت نهادی مستقل در نظر گرفته شد که مبنای سیاستها و برنامه‌های آن را منافع و مصحلت خود تشکیل می‌دهد، با وجود این فضای ساختاری محدودیت‌ها و فرصتهایی برای دولت ایجاد می‌کند. بر اساس گزاره‌های تئوریک یاد شده سه فرضیه برای پاسخ‌گویی به سوالات پژوهش به شرح زیر ارایه شد:

- الزام کارکردی ناشی از مدرن شدن دولت پهلوی اول منجر به هویت‌سازی توسط این دولت شد.
 - وجود نیروهای اجتماعی رقیب دولت منجر به هویت‌سازی بر اساس منافع دولت و به ضرر نیروهای رقیب شد.
 - گفت‌وگو و روشنفکری تجددگرا زمینه‌فکری هویت‌سازی به نفع دولت و به ضرر نیروهای رقیب را فراهم کرد.
- در گام بعد با اتخاذ روش تاریخی - ساختاری سعی شد فرضیه‌های ارایه شده با شواهد تجربی آزمون شوند. در ابتدا با مطالعه ساختار اقتصادی، اجتماعی اواخر دوره قاجار و مقارن به قدرت رسیدن رضاخان، نشان داده شد که در این دوره نیروهایی چون روحانیت، سران ایلات و عشایر، اشراف زمیندار و تجار و بازرگانان و همچنین جریان روشنفکری، نیروهای اجتماعی بودند که در مناسبات جامعه ایرانی ایفای نقش می‌کردند. پس از آن چگونگی به قدرت رسیدن رضاخان و فرایند دولت‌سازی و هویت‌سازی او توضیح و شرح داده شد که دولت رضاشاه با ایجاد ارتش مدرن، نظام بوروکراتیک، بنیان نهادن نظام قضایی مدرن، گسترش راهها و کانال‌های ارتباطی و... فرایند دولت‌سازی خود را به پیش برد و بنا به اقتضای کارکردی دولت مطلقه مدرن سعی در ایجاد هویت‌سازی در جامعه ایرانی کرد. با ابراهایی چون مدرسه، سازمان پیشاهنگی، سازمان پرورش افکار، تغییر اسامی شهرها و ماهها، تغییر لباس، خدمت سربازی، جشن هزاره فردوسی، ورقه‌های هویت (قانون سچل احوال) و... سعی در تعریفی جدید از هویت ایرانی در قالب هویت ملی کرد. در این فرایند عناصر باستانی هویت ایرانی فربه شد، عناصر اسلامی آن نایده گرفته شد و عناصری از فرهنگ غرب گرفته

شد. در گام بعد با استفاده از مدل تبیین ساختاری سعی شد به چرایی این شکل از هویت سازی پرداخته شود. در ابتدا منابع هویتی در دسترس دولت در قالب گزینه‌هایی دسته‌بندی و منافع و مضار و درجه امکان‌پذیری هر یک از گزینه‌ها با در نظر گرفتن شرایط ساختاری تحلیل و نشان داده شد که دولت از میان گزینه‌های هویتی موجود، گزینه‌ای را انتخاب کرده که بیشترین همسویی را با منافع خود داشت و بیشترین آسیب‌ها را به نیروهای اجتماعی رقیب (روحانیت، سران ایلات و عشایر، اشراف) وارد می‌کرد. همچنین با تحلیل شرایط ساختاری نشان داده شد که این شکل از هویت سازی برای دولت امکان‌پذیر بود. البته جریان روشنفکری نیز تا اندازه بسیار زیادی در خدمت این شکل از هویت سازی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: دولت پهلوی اول، هویت‌سازی، دولت مطلقه مدرن، مطالعه تاریخی

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

عنوان	صفحه
فصل اول	۱
کلیات تحقیق	۱
۱-۱- مقدمه.....	۱
۲-۱- طرح مساله.....	۳
۳-۱- سؤالهای تحقیق.....	۷
۴-۱- مفروضات اساسی تحقیق.....	۸
۵-۱- اهداف تحقیق.....	۸
۶-۱- ضرورت تحقیق.....	۸
۷-۱- ادبیات تجربی موضوع.....	۱۰
۱-۷-۱- جمع‌بندی.....	۲۵

فصل دوم

ادبیات نظری

۲۷

۱-۲- مقدمه.....	۲۸
۲-۲- ماهیت و چیستی هویت.....	۲۸
۳-۲- هویت ملی.....	۳۱
۴-۲- نظریه‌های مربوط به چگونگی شکل‌گیری هویت ملی.....	۳۴
۵-۲- پارادایم‌های مربوط به منشأ ملت و هویت ملی.....	۴۷
۱-۵-۲- دیرینه‌گرایی.....	۴۷

- ۴۹.....مدرن‌نسیسم ۲-۵-۲
- ۵۱.....نمادگرایی قومی ۳-۵-۲
- ۵۴.....جمع‌بندی ۴-۵-۲
- ۵۵.....دولت مدرن ۶-۲
- ۵۷.....ویژگی‌های دولت مدرن ۷-۲
- ۶۷.....دولت مدرن و هویت‌سازی ۸-۲
- ۷۲.....چگونگی انتخاب مولفه‌های هویتی توسط دولت ۹-۲
- ۷۷.....چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش ۱۰-۲

۸۳

چارچوب روش شناختی

فصل سوم

- ۸۴.....مقدمه ۱-۳
- ۸۴.....روش تحقیق ۲-۳
- ۸۸.....نوع داده‌ها و روش جمع‌آوری اطلاعات: ۳-۳
- ۸۸.....روش تبیین (مدل تبیینگر): ۴-۳
- ۸۸.....واحد تحلیل: ۵-۳
- ۸۸.....سطح تحلیل: ۶-۳
- ۸۸.....واحد مشاهده: ۷-۳
- ۸۹.....دآوری در باره فرضیه‌ها: ۸-۳
- ۹۰.....مفاهیم عمده پژوهش ۹-۳

- ۹۴-۱-۴-۱-۴ مقدمه
- ۹۴-۲-۴ وضعیت نیروهای اجتماعی در دوره قاجار (نیروهای رقیب دولت)
- ۹۸-۱-۲-۴ روحانیون
- ۱۰۲-۳-۲-۴ اشراف و زمینداران بزرگ
- ۱۰۴-۳-۲-۴ سران ایلات و عشایر
- ۱۰۶-۴-۲-۴ روشنفکران در دوره قاجار (قبل از مشروطه)
- ۱۰۷-۱-۴-۲-۴ فتحعلی آخوندزاده
- ۱۱۰-۲-۴-۲-۴ ملکمخان
- ۱۱۱-۳-۴-۲-۴ میرزا آقاخان کرمانی
- ۱۱۳-۴-۴-۲-۴ طالبوف
- ۱۱۵-۵-۲-۴ جریانهای روشنفکری بعد از مشروطه
- ۱۱۵-۱-۵-۲-۴ مجله کاوه
- ۱۱۹-۲-۵-۲-۴ مجله ایرانشهر
- ۱۲۳-۳-۵-۲-۴ مجله فرنگستان
- ۱۲۷-۴-۵-۲-۴ مجله آینده
- ۱۳۴-۳-۴ زمینه ساختاری برآمدن دولت مطلقه مدرن
- ۱۳۶-۴-۴ کودتای ۱۲۹۹
- ۱۳۷-۵-۴ به قدرت رسیدن رضاخان و اقدامات او در زمینه دولت‌سازی
- ۱۳۸-۱-۵-۴ ایجاد ارتش مدرن
- ۱۴۲-۲-۵-۴ ایجاد بوروکراسی مدرن
- ۱۴۳-۳-۵-۴ توسعه حاکمیت از طریق سرکوبی عشایر و جنبشهای ایالتی
- ۱۴۵-۴-۵-۴ ایجاد نظام قضایی مدرن
- ۱۵۰-۵-۵-۴ استاندارد کردن واحدهای سنجش
- ۱۵۴-۶-۵-۴ توسعه راههای و کانالهای ارتباطی

۱۵۷	۶-۴ اقدامات دولت در زمینه هویتسازی
۱۵۷	۴-۶-۱- گسترش آموزش عمومی
۱۷۶	۴-۶-۲- تغییر لباس
۱۸۶	۴-۶-۳- با شکوه جلوه دادن میراث تاریخی
۱۹۱	۴-۶-۴- فارسی کردن، نام ماههای سال و شهرها
۱۹۴	۴-۶-۵- ورقه‌های هویت
۱۹۹	۴-۶-۶- سیاستهای زبانی
۲۰۴	۴-۶-۷- اسکان (تخته قاپو کردن) عشایر و از میان برداشتن نمادهای هویتی عشایر
۲۰۸	۴-۶-۸- کشف حجاب
۲۱۲	۴-۶-۹- تأسیس سازمان پیشاهنگی و سازمان پرورش افکار
۲۱۷	۴-۷- جمع‌بندی

۲۱۹	فصل پنجم	آزمون فرضیه‌ها و نتیجه‌گیری
۲۲۰	۵-۱- مقدمه	
۲۲۰	۵-۲- بحث و آزمون فرضیه‌ها	
۲۳۹	۵-۳- نتیجه‌گیری	
۲۴۵	۵-۴- برخی نتایج تئوریک	
۲۴۶	منابع فارسی	
۲۴۶	کتابها	
۲۵۳	مقالات	
۲۵۴	پایان نامه‌ها و پژوهش‌ها	
۲۵۵	اسناد و کتابهای درسی	

۲۵۶..... منابع انگلیسی

۲۶۷..... چکیده انگلیسی

فهرست جداول

عنوان

صفحه

جدول ۱-۲- ویژگیهای قوم و ملت از نظر اسمیت.....	۴۱
جدول ۱-۴- برنامه درسی مقطع ابتدایی در سال ۱۳۰۲.....	۱۶۵
جدول ۲-۴- برنامه درسی مقطع ابتدایی در سال ۱۳۱۶.....	۱۶۶
جدول ۳-۴- برنامه درسی مقطع ابتدایی در سال ۱۳۱۹.....	۱۶۷
جدول ۴-۴- نمونه هایی از واژه سازی «نظامی» در ترکیه و ایران (حدود ۱۹۲۴-۱۳۰۳).....	۲۰۰
جدول ۵-۴- برنامه دروس آموزشگاههای سازمان پرورش افکار در سال ۱۳۱۷.....	۲۱۵

فصل اول
مقدمه و کلیات تحقیق

بدون تردید دوره پهلوی اول یکی از دوره‌های مهم در تاریخ معاصر ایران است. اهمیت این دوره نیز اساساً به این دلیل است که در این دوره تحولات ساختاری بسیاری در جامعه ایرانی رخ می‌دهد که دامنه تاثیر آن همچنان در دوره‌های بعد ادامه می‌یابد. با وجود آن که آثار بسیاری در باره این دوره تاریخی نوشته شده، هنوز آن چنان که باید و شاید، توجه لازم به این دوره مبزول نشده است. بیشتر آثاری که در باره این دوره به رشته تحریر درآمده‌اند، عموماً منطبق مورخانه دارند. از سویی دیگر برخی از آن‌ها نیز با سوگیری‌هایی همراه هستند. اما آن چه که در میان جای خالی اش حس می‌شود، تحلیل جامعه‌شناختی این دوره، خصوصاً مقوله دولت و هویت است. گرچه برخی از آثار به موضوع هویت در دوره پهلوی اول پرداخته‌اند، اما ارتباط میان دولت و هویت، چندان مورد توجه واقع نشده است. بسیاری از آثاری که در این زمینه نگاشته شده‌اند، اساساً به این موضوع که چرا در این دوره تاریخی است که مقوله‌ای به نام هویت ملی جایگاهی کانونی در گفتار روشنفکران و دولت پیدا می‌کند، توجهی نکرده‌اند و یا آن که به سادگی از کنار آن گذشته‌اند. بیشتر آثاری هم که به این موضوع توجه کرده‌اند، صرفاً به فضاهای گفتمانی اشاره کرده‌اند. حال آن که پرسشی اساسی در این زمینه مطرح است که چرا در این دوره تاریخی است که دولت به صورت رسمی اقدام به هویت‌سازی می‌کند و سیاستها و برنامه‌هایی را در این خصوص عملیاتی می‌کند. چرا این رخداد در دوره قاجار شکل نمی‌گیرد، چرا دولت قاجار چنین رویه‌ای را در پیش نگرفت. البته برخی از پژوهشگران بر این باورند که در دوره صفویه چنین وضعیتی وجود داشته است و در آن جا نیز با مقوله هویت‌سازی روبرو هستیم. اما نکته در این جا است که اقدامات صفویه در زمینه هویت‌سازی، صرفاً به مقوله مذهب خلاصه می‌شد. برخی دیگر از پژوهشگران نیز به این نکته توجه داده‌اند که دولت پهلوی اول، دولتی ناسیونالیست بود و مجهز به ایدئولوژی ناسیونالیسم. این دسته نیز این نکته را عموماً در نظر نمی‌گیرند که ناسیونالیسم ایدئولوژی همه دولتهای مدرن است، آن چه که مهم است عناصر انتخابی این ایدئولوژی است. در واقع پرسش این است که چرا دولت پهلوی اول بر

روی عناصر خاص هویتی تاکید می‌کرد، حال آن که به لحاظ تاریخی، هویتی کلان در جامعه ایرانی به نام هویت ایرانی وجود داشت.

این پژوهش در راستای پاسخگویی به چنین پرسش‌های سامان یافته است. بر این اساس در فصل اول ضمن بیان کلیات تحقیق ادبیات تجربی موضوع را واکاوی می‌کند تا نسبت پژوهش حاضر را با پژوهش‌های دیگر نشان دهد، در فصل دوم تلاش می‌کند تا پاسخی تئوریک به موضوع بدهد و با فرموله کردن مساله، زمینه را برای سنجش تجربی فرضیه‌های تحقیق فراهم کند. در فصل سوم چارچوب روش-شناختی تشریح می‌شود، در فصل چهارم گزارشی تاریخی از به قدرت رسیدن رضاخان و اقدامات او در زمینه دولت‌سازی و هویت‌سازی ارائه می‌شود و در نهایت در فصل پنجم چرایی اقدامات دولت با رویکردی ساختارگرایانه تحلیل می‌شود.

تاقیل از پیدایش دولت‌های مدرن، در جوامع هویت‌های پراکنده قومی، زبانی و... حاکم بود و افراد خود را به قوم و قبیله ... خود منتسب می‌دانستند و حکومت‌ها نیز احتیاج چندانی به هویت‌های همگون نداشتند. کوشش برای در هم آمیختن قوم‌ها در درون یک واحد یگانه ملی و یکپارچه کردنشان، به ویژه از نظر زمانی، حرکتی بود که ناسیونالیسم اروپایی در قرن نوزدهم آغاز کرد. ناسیونالیسم با شور بی‌کرانی که نسبت به مفهوم ملت آفرید، به بازخوانی تاریخ و «کشف» هویت یگانه ملی در درازنای آن و نگارش تاریخ ملی و دستگاه اداری و پلیس و ارتش آن و همچنین آموزش سراسری ملی با زبان واحد، آنچه را که در تاریخ می‌جوید بسازد. به عبارت دیگر ملت‌های مدرن یگانگی خود را بیش‌تر از یک ساختار یگانه سیاسی- اقتصادی می‌گیرند تا یکپارچگی زبانی- فرهنگی. یکپارچگی نهایی زبانی- فرهنگی هدفی است که سپس با به کار انداختن اهرم‌های سیاسی- اقتصادی، در پرتو ایدئولوژی ناسیونالیسم و خوانش آن از «تاریخ ملی» دنبال می‌شود. این فرایند با افروختن آتش شور ناسیونالیستی در اروپا، توانست ملت‌های اروپایی را به معنای مدرن آن به وجود آورد و شور هویتی تازه‌ای به ایشان ببخشد، یعنی شور تعلق به ملت، به جای شور تعلق به قومیت (آشوری ۱۳۸۴: ۵). به عبارت دیگر مفهوم سیاسی ملت و هویت ملی را دولت‌ها ایجاد می‌کنند و برای آن قباله تاریخی تدارک می‌بینند و به گفته هابزبام دست به ابداع «سنت» می‌زنند. به بیان دیگر با شکل‌گیری دولت مدرن و نیاز این دولت‌ها به هویت یکپارچه و همگون است که مقوله هویت ملی جایگاهی کانونی در این شکل از دولت پیدا می‌کند.

دولت‌های مدرن از طریق مکانیسم‌های خاصی مشخص می‌گردد که تا پیش از شکل‌گیری این شکل از دولت، یعنی در نظام‌های مبتنی بر سیستم دولت-شهر و امپراتوری، این مکانیسم‌ها به شکلی که در دولت مدرن وجود دارند، موجود نبوده‌اند. این مکانیسم‌ها عموماً عبارتند از: انحصار و کنترل ابزارهای خشونت، سرزمینی بودن، حاکمیت، دیوانسالاری عمومی، مالیات ستانی مستقیم، ارتش منظم و هویت همگون و یکپارچه.

این دولتها کم و بیش در همه جا نخست در هیات دولت مطلقه پدیدار شدند و مقدمات لازم را برای یکپارچگی و وحدت ملی فراهم کردند (بشیریه، ۱۳۷۷ ص ۱۸). چنانکه امروزه دولت مدرن واقعیتی انکار ناپذیر در زندگی جوامع کنونی است. برخلاف امپراتوری‌ها و سایر صورت‌های ماقبل مدرن، دولت مدرن

حضور فراگیری در زندگی شهروندان دارد. این دولت از طریق وضع قوانین، حقوق و وظایف افراد را از زمانی که نطفه آنها بسته می‌شود تا زمان مرگشان تعیین می‌کند (پیرسون، ۱۹۹۵: ۵).

همانطور که گفته شد، با گسترش دولت مدرن در قرن نوزدهم ملت‌سازی به گفتمان مسلط در عرصه سیاسی تبدیل شد (کرهزل، ۱۳۸۰: ۷۸-۲۰۴). بنابراین دولت‌های مختلف با شتاب و حرارت خاصی در صدد ملت‌سازی برآمدند (هابزبام، ۱۳۸۲: ۱۹۹) و سیاست‌هایی را برای این منظور در پیش گرفتند و برای سلطه بر نمادها و آیین‌ها و ایجاد هویت همگون از ابزارهای مختلفی خصوصاً نظام تحصیلی به ویژه نظام مدارس ابتدایی مدد گرفتند (همان: ۱۴۴). این سیاستها نیز عموماً به دو شکل عمده نمود پیدا کردند:

۱- همانندسازی^۱ - تکررگرایی^۲. همانند سازی فرایند تقلیل خط تمایزات درون جامعه‌ای است و هدف این دسته از سیاستها، همانند سازی ترکیب بیولوژیکی، فرهنگی، اجتماعی و روانی گروه‌های متمایز و منفرد به منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت‌های قومی است. تکررگرایی از دیدگاهی کلی نقطه مقابل همانند سازی است. در تکررگرایی حفظ یا تشدید تفاوت‌های موجود میان گروه‌ها مفروض گرفته می‌شود (یینگر^۳، ۱۹۸۵: ۳۰). سیاست همانند سازی سیاستی بود که اغلب از طرف دولت‌ها در پیش گرفته شد.

در ایران نیز در عصر جدید که دولت‌های مدرن در اروپا و آنگاه در آمریکا و آسیا و آفریقا سر بر آوردند، مفاهیم جدید ملت و دولت - ملت رونق پیدا کرد، مفهوم تازه «وطن» و «ملت» وارد کلام سیاسی روشنفکران عصر روشنگری ایران شد و در انقلاب مشروطه و پس از آن رواج پیدا کرد (اشرف ۱۳۸۳: ۱۵۷). در واقع در ایران تا قبل از به قدرت رسیدن رضاخان، دولت مدرن به معنای آنچه که ویر انحصار کاربرد شروع قدرت فیزیکی در درون سرزمین خاص می‌داند، وجود نداشت (البته انقلاب مشروطه گام‌هایی را برای ایجاد دولت مدرن در جامعه ایرانی آغاز کرده اما بی‌فرجام مانده بود) و مبارزه برای کنترل و تصرف وسایل حکومت و اداره جامعه از ویژگیهای عمده تاریخ سیاسی ایران محسوب می‌شده است. این مبارزه سرانجام با پیدایش ساخت دولت مطلقه مدرن در دوره پهلوی اول پایان یافت (بشیریه ۱۳۸۰: ۴۱).

در واقع ایران از ۱۵۰۰/م ۸۷۹ش تا ۱۶۳۰/م ۱۰۰۹ش برای خود یک امپراتوری قدرتمند جهانی بود (فوران، ۱۳۷۸: ۴۰) که به عنوان قلمرو بیرونی نظام جهانی قلمداد می‌شد. اما با ادغام ایران در نظام جهانی ساخت امپراتوری به سمت دولت-ملت حرکت کرد (رجب زاده، ۱۳۷۶).

¹-Assimilation

²-Pluralism

³-Yinger

در ایران آخرین تلاش ها در جهت ایجاد امپراتوری در لوای ایدئولوژی احیای امپراطوری صفوی توسط اشراف ایل قاجار صورت می‌گیرد (همان، ۲۱۳). اما در این دوره، ایران از عرصه خارجی عمدتاً بیرون از مدار اقتصاد جهانی بیرون رفته و به ایفای نقش حاشیه ای در اقتصاد جهانی سرمایه داری، عرضه کننده مواد خام، ابریشم ... و اقلام ساخته شده صنعتی به منظور مصرف - پارچه، ظروف آشپزخانه ... و فرآورده های بدست آمده از کشاورزی و شکر و قند و چای... تن در داده است. ضعف روز افزون قاجاریه در برابر دولت های غربی و سلاح ها و اقتصاد قدرتمندشان به بحران مالی و بحران مشروعیت در داخل کشور دامن زد. تماس با اقتصاد جهانی، موجب پیدایش فشار برای ایجاد اصلاحات و نوسازی پاره ای از نهادها گردید. اما حاصل آن مرکزیت قدرتمند دولت قاجار نبود. دودمان قاجار نه مانند صفویه قدرتمند بودند و نه همچون سلسله های زودگذر سده هجدهم (۱۰۷۹-۱۱۷۹) دور از دسترس استعمار غرب قرار داشتند که به آسانی تحت سلطه در نیایند. سرمایه داری از خارج و زیر پوشش دو رقیب روسیه و بریتانیا به ایران وارد شد (فوران، پیشین: ۲۲۳). رسوخ آرام سرمایه داری خارجی به همراه رشد تجارت و افزایش شهرنشینی که برآیند ورود مناسبات خارجی به حوزه اقتصاد ایران بود، متعاقباً تحولاتی را در موقعیت اجتماعی و سیاسی تجار و بازرگان ایجاد کرد. به علاوه همزمان با رسوخ مناسبات سرمایه داری، ایدئولوژی های سیاسی جدید نیز به صورت های مختلف وارد ایران شد و بدیل های نوظهوری را در برابر نظام سستی سیاسی ایران، در ذهن و دل نخبگان و تحصیل کردگان جدید بوجود آورد (علی اکبری، ۱۳۸۳: ۱۸۲).

بدین ترتیب روند نفوذ قدرتهای بزرگ همراه با رسوخ مناسبات سرمایه داری و همچنین ناکارآمدی حکومت قاجار در اداره امور جامعه و جلوگیری از نفوذ زیانهای سرمایه خارجی بر اقتصاد و سیاست ایران و عدم پاسخگویی قاجارها به انتظارات رو به رشد تجار و تحصیل کردگان جدید رو به فزونی گذاشت. از سویی دیگر شکست انقلاب مشروطه که در پی تحدید قدرت خودکامه و تفکیک قوا و اختیارات حکومتی و حکومت قانون، پارلمان و مشارکت آزاد گروهها در زندگی سیاسی و همچنین اصلاحات بوروکراتیک مالی و آموزش، نوسازی فرهنگی بود، شرایط را برای پیدایش ساخت دولت مدرن فراهم کرد. حکومت رضاشاه فصل تازه ای در تاریخ سیاسی ایران در زمینه ایجاد تمرکز در منابع قدرت باز کرد و در زمینه افزایش کمیت قدرت سیاسی و ایجاد ابزارهای جدید برای متمرکز ساختن و اعمال قدرت توفیق یافت (بشیریه، پیشین: ۶۴-).